

یادداشتهای مرحوم عباس اقبال

در جزء آثار و نوشته‌ها و کتب مرحوم عباس اقبال آشتیانی استاد فقید دانشکده ادبیات که به کتابخانه مرکزی دانشگاه سپرده شده است، یادداشتهایی وجود دارد که مربوط به اعلام تاریخی و هنری و ادبی است. این یادداشتهای هر چند ناقص بوده و بصورت فیش فقط برای استفاده در تنظیم مقالات و کتب آن مرحوم تهیه شده بوده است، معذرت از آن نظر که حاوی اطلاعاتی سودمند است و هم از آن نظر که شیوه تحقیق، و هم میزان پشتکار و حوصله آن استاد را می‌رساند، از جهت استفاده خوانندگان بدرج قسمت‌هایی از آن مبادرت میشود. این یادداشتهای به‌همت و علاقه آقای شیروانی عضو فنی کتابخانه مرکزی دانشگاه تنظیم و استنساخ شده است.

در این یادداشتهای هیچگونه دخل و تصرفی نشده و ضبط اسامی و سنوات بهمان صورت که در اصل بوده، صورت گرفته است.

تنظیم این یادداشتهای نیز ترتیب خاصی ندارد و بهمان صورت که بدست آمده است رونویس شده و البته پس از پایان چاپ آن، فهرست اعلام مقالات میتواند راهنمایی برای استفاده از همه یادداشتهای باشد.

آصف الدوله، غلامرضاخان شاهسون، در سال ۱۳۱۲ پس از عزل مؤیدالدوله والی خراسان شده، بعد بعزت سوء سلوک در ۱۳۱۴ او را معزول و محمد تقی میرزا رکن الدوله را والی کردند.

آصف الدوله، اللهیارخان پسر میرزا محمدخان قاجار دولو [رکن الدوله] متخلص به حاجب، خواهرش در عقد عباس میرزا بود و محمدشاه از آن زن است. یکی از دختران فتحعلیشاه در عقد آصف الدوله بود بشکلی که آصف الدوله هم برادرزن عباس - میرزا میشد و هم شوهر خواهر او (خال محمدشاه و شوهر عمه او). در ۱۲۴۰ بصدارت رسید و آصف الدوله لقب یافت. چون در جنگهای دوم ایران و روس بستی در کارو شکست قشون ایران متهم شد فتحعلیشاه او را از صدارت انداخت. بعد از مرگ فتحعلیشاه از مدعیان صدارت شد ولی در مقابل قائم مقام توفیقی نیافت و با پسرش حسن خان

سالار بحکومت خراسان رفت ، چون پسرش سر بشورش بزداشت آصف الدوله بمکه رفت
و دیگر برنگشت و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه در عتبات مرد.

وی پدر محمد حسنخان سالار است. در جنگهای دوم ایران و روس یکی از
موجبات شکست عباس میرزا گردید و روسها او را در سال ۱۲۴۳ در تبریز محبوس
کردند و پس از آزاد شدن و بطهران آمدن فتحعلیشاه او را بچوب بست و از صدارت
معزول نمود .

ابوسعهد ، هندو بن محمد بن هندو اصفهانی زین الملک مستوفی در عهد سلطان
محمد ، در ۵۰۶ مقتول شد .

ابوسعهد ، فخر المعالی سعدالدوله ظهیرالدین و کیل خوارزم .

ابوسعهد ، محمد بن نصر بن منصور زین الاسلام قاضی هروی (تاریخ بیهق) . در ۵۱۸
از جانب خلیفه بر سالت پیش سنجر آمد و در مراجعت در ۵۱۸ یا ۵۱۹ در همدان
مقتول شد .

ابوسعهد ، محمد نصر منصور ، اقاضی قضاة بغداد و ممالک از دار خلافت روی
بحضرت خراسان داشت فی شهور سنة ۵۰۹ ، (تاریخ بیهق) .

ابوسهل ، عبدالرحیم ، رئیس زی (۵۷۵) .

ابوشهاب ، علاء الدین بهرامشاه غزنوی بن مسعود بن ابراهیم بن مسعود بن
محمود بن سبکتگین :

عاقلان را از وصال و صحبت او خوشتر است

خدمت سلطان اعظم خسرو مالک رقاب

کعبه محمودیان و قبله مسعودیان

فخر سلطانان علاء دین و دنیا بو شهاب

یادشاه تاجور بهرام شاه نامور

آنکه از نامش بزرگی یافت القاب و خطاب

آنکه او راهست ابراهیم بن مسعود جد
 آنکه او راهست مسعود بن ابراهیم باب .
 ابوالقاسم، عماد الملك بن خواجه نظام الملك وزیر ارسلان ارغو (مقتول
 در سال ۴۹۰) :

ببازار نکو رویان اگر قیمت کنند او را
 خریدارش عماد ملك شاه دادگر خیزد
 نسیم عدل ابوالقاسم که از اقلام و اعلامش
 به میدان در قضا زاید بمیدان در قدر خیزد
 قوام‌دین پیغمبر بدو نازد ز فرزندان
 چنین واجب کند فرزند کز چونان پدر خیزد
 من آن شایسته مداحم که در مدح معزالدین
 زباغ طبع من هر روز گوناگون شجر خیزد.
 ابوالمحاسن، اعز الملك عبدالجلیل بن محمد دهستانی، وزیر برکیارق .
 (۱۲ صفر ۴۹۵).

ابوالملوک، کیومرث میرزا ایلخانی پسر فتحعلیشاه . (تولدش در ۲۵
 جمادی الآخره ۱۲۲۴) .
 احتشام الدوله، خانلر میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه .

احتشام السلطنه، میرزا محمودخان قاجاردولو پسر محمد رحیم خان علاءالدوله
 امیر نظام، در سال ۱۳۲۴ رئیس کمیسیون سرحدی ایران و عثمانی بود و در همان تاریخ
 بنمایندگی مجلس شوری از تهران انتخاب گردید و در ۲۹ رجب ۱۳۲۵ بعد از استعفای
 مرتضی قلیخان صنیع الدوله از ریاست مجلس باین [سمت] برقرار شد و تا اوایل
 ربیع الاول ۲۶ در این مقام بود . بعد بسفارت ایران در برلین انتخاب شد. مدت بالنسبه
 مدیدی نیز سفیر کبیر ایران در عثمانی بود، وفاتش در اواخر سال ۱۳۵۴ قمری
 در تهران .

احترام الدوله، خرم بهار خانم دختر فتحعلیشاه زوجه صاحب‌دیوان (ظاهراً میرزاتقی علی آبادی) .

احتشام الملك، (۱۳۱۷)، خیانت میرزا علی اشرف خان احتشام‌الوزاره و علی-اکبر خان حشمة‌الملک بسرحد بلوچستان و سیستان که بسیاری از اراضی و خاک متعلق به دولت را برای رشوه بانگلیسها واگذاشتند، ایضاً خیانت میرزا علی اشرف خان احتشام‌الوزاره در سرحد گنبد قابوس که صدمهٔ مآل آن خیانتها بایران زیاد است. (عین‌الوقایع ص ۳۲۰).

ادیب الدوله، (۱۲۸۸ - ۱۳۵۳ ق) محمد حسن خان پسر مرحوم محمد حسین‌خان ادیب‌الدوله ناظم مدرسه دارالفنون در زمان ریاست جعفر قلی‌خان نیرالملک، تولدش در جمادی‌الاولی ۱۲۸۸ قمری، پس از تکمیل تحصیل در دارالفنون و آجودانی و نظامت بر ریاست آنجا رسید و تا اواخر همین سمت را داشت. وفاتش در روز شنبه ۲۷ محرم ۱۳۵۳ مطابق ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۳ در تهران به سن ۶۳.

ادیب‌الملک، (۱۲۴۵) عبدالعلی‌خان مقدم مراغه‌ای پسر حاجی علی‌خان حاجب‌الدوله و برادر محمد حسن‌خان اعتماد السلطنه، ادیب تخلص میکرد و مدتی حکومت کاشان داشت، در ۱۲۷۰ لقب ادیب‌الملکی گرفت.

اعتضاد السلطنه، (محمد علی میرزا) پسر بزرگ مظفرالدین‌شاه، متولد در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۸۹ در تبریز. مادرش ام‌الخاتون دختر میرزاتقی خان امیر کبیر، زوجه اش دختر کامران میرزا نایب السلطنه، حکومت آذربایجان در ذی‌القعدة ۱۳۱۳، ولیعهدی در محرم ۱۳۱۴، جلوس بتخت سلطنت در سوم ذی‌الحجه ۱۳۲۴ در تهران، خلع از سلطنت در ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷، پس از خلع روانه روسیه شد و در ۱۱ رمضان ۱۳۴۳ قمری در ساونا از بنادر ایتالیا فوت کرد. نعشش را بعقبات انتقال دادند.

اعتضاد الدوله، (وفاتش در ۱۲۲۰ قمری) امیر کبیر سلیمان خان قاجار از سران سپاهی آقامحمدخان و فتحعلیشاه، در سال ۱۲۱۳ کعبه عباس میرزا بولیهدی و

ایالت آذربایجان منصوب شد. اعتضادالدوله به تازیکی و لیمعهد مأمور آذربایجان گردید و در ۱۲۱۵ و ۱۲۱۷ در خراسان مشغول دفع فتنه نواحی مختلف آن بود و در ۱۲۱۸ با عباس میرزا مأمور جنگ باقشون روسیه گردید و در ۱۲۲۰ وفات کرد. وی پدرزن عبدالله میرزا دارا پسر فتحعلیشاه بود.

این سلیمانخان بن محمدخان قاجار خوانلو خالوزاده آقامحمدخان بود و ریاست کل عساکر را داشت. در شعر عزت تخلص می‌کرد. وی پدر امیر محمد قاسمخان شوکت است و مهد علیا مادر ناصرالدین شاه نواده اوست.

اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۲۳۴ - ۱۲۸۹) پسر فتحعلیشاه متولد در ۱۲۳۴ قمری، پس از فوت محمدشاه در شوال ۱۲۵۰ در طهران تا ورود ناصرالدین شاه پیشکار مهد علیا مادر او بود، در سال ۱۲۷۲ لقب اعتضادالسلطنه گرفت، زیست دارالفنون در ۱۲۷۴، در ۱۲۷۵ اول خط تلگراف بین تهران و سلطانیه را با تمام رساند و وزیر علوم شد و بعدها ریاست مدرسه دارالفنون و اداره تلگرافخانه‌ها و معادن و روزنامه دولتی و علمی و چاپخانه‌ها و حکومت ملایر و تویسرکان هم ضمیمه مشاغل او گردید. وفاتش در شب عاشورای سال ۱۲۹۸، قبرش در جنب مزار حضرت عبدالعظیم.

تالیفاتش: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (تهران ۱۲۷۳)، فلك السعاده دررد اقوال اخترشناسان و کهنه (تهران ۱۲۷۸)، ترجمه کتاب آثار الباقیه و اکسیر - التواریخ، کتابی در تاریخ متنبین، (همه خطی).

اعتمادالاطباء، حاجی میرزا علی اکبر طهرانی، وفاتش در چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ مطابق سوم ذی القعدة ۱۳۴۵.

اعتمادالدوله، (قتلش در ۱۲۱۵)، حاجی محمد ابراهیم کلانتر شیراز (حاجی ابراهیم خان خان کلانتر).

اعتمادالدوله، (میرزا آقاخان نوری صدراعظم).

اعتمادالدوله، (یحیی خان قراقرلو).

اعتماد السلطنه، محمد حسنخان، وفاتش در شب پنجشنبه هجدهم شوال ۱۳۱۳ در سن پنجاه و اند.

اعتماد الملک، (۱۲۴۸-۱۳۱۰) عبدالله خان قاجار وزیر و رئیس خزانه نظام، وفاتش بمرض وبا در قریه افجه در چهارشنبه غره صفر ۱۳۱۰ به سن پنجاه و دو.

اعلم السلطنه، میرزا کاظم خان، وفاتش در دوشنبه ۱۶ آبان ۱۳۰۵ مطابق دوم جمادی الاولی ۱۳۴۵.

امیر اکرم، (۱۳۴۹) چراغعلیخان پهلونژاد سواد کوهی پیشکار اعلی حضرت محمد رضا شاه در ایام ولایتعهد، پسر عم رضا شاه، مدتی نیز والی مازندران بود. در ۱۳ خرداد ۱۳۰۹ شمسی در برلین وفات یافت. جنازه اش را به حضرت عبدالعظیم آوردند.

امین الدوله، حاجی محمد حسینخان صدر اصفهانی که در ۱۲۲۱ بمنصب استیفای ممالک محروسه برقرار گردید و در ۱۲۲۸ بنظم فارس مأمور و به نظام الدوله ملقب شد و پسرش عبداللهخان لقب امین الدوله گرفت. چون بعد از مرگ میرزا شفیع صدراعظم شد، صدر معروف گردید. (وفاتش در ۱۲۳۹).

امین الدوله، عبداللهخان اصفهانی پسر حاجی محمد حسینخان صدر که در سال ۱۲۲۸ ابن لقب را گرفت و مستوفی الممالک شد. در ۱۲۳۹ پس از فوت پدرش جای او را گرفت. عزل او از حکومت اصفهان در ۱۲۴۰، در ۱۲۴۷ مأمور تفریح حساب فارس شد.

امین لشکر، میرزا قهرمان، وفاتش صبح سهشنبه چهارم رجب ۱۳۱۰ در تهران، بعد از فوت میرزا قهرمان امین لشکری بفرزند اکبرش میرزا یوسفخان مرحمت شد. (منتخب التواریخ ص ۲۴۳).

امین نظام، محمد صادق خان که در سال ۱۳۱۱ قمری بامیرزا جهانگیرخان ناظم الملک مأمور تقسیم سرحدات خراسان شد و در نتیجه این مأموریت فیروزه

وقسمتی از سرحدات دره جز و کلات و سرخس ضمیمه روسیه شد. (رجوع شود بشرح حال ملك آرا).

امیر کبیر، فتحعلیخان دولو قاجار پدر زن فتحعلیشاه و جدش عباس میرزا نایب السلطنه.

امیر کبیر، لقب سلیمانخان قاجار اعتضادالدوله.
امیر قیصر. از امرای سنجر (عماد کاتب ۱۳۱، ۱۳۴، ۲۲۲):

شاید که میر قیصر سر بر فلك فرزند زیرا که هست سنجر مهمان میر قیصر
امین العداة، (۱۲۴۶ - ۱۳۱۰) میرزا کاظم خان مستوفی لله باشی شاهزاده
جلال الدوله، وفاتش به ناخوشی و با در طهران در روز چهارشنبه غرة صفر ۱۳۱۰
به سن ۶۴.

انتظام السلطنه، (۱۲۶۲ - ۱۳۰۹) میرزا سید عبدالله خان وزیر نظمیه و
احتماسیه، برادر میرزا عیسی وزیر، وفاتش روز جمعه سیزدهم ذی الحجه ۱۳۰۹ در سن
چهل و هفت در تهران.
انیس الدوله، زوجه ناصر الدین شاه، وفاتش در شب جمعه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۱۴
در طهران.

ایلچی کبیر، حاجی میرزا ابوالحسن خان شیرازی وزیر دول خارجه، در سال
۱۲۴۰ وزیر دول خارجه شد.

ایلخانی، (۱۲۳۸ - ۱۳۰۹)، اللهقلی میرزا، وفاتش در چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۰۹
قمری سن هفتاد و یک در طهران، جنازه اش بنجف برده شد.

ایلخانی، امام وردی میرزا پسر فتحعلیشاه متولد ۱۴ شوال ۱۲۱۱.

بحر العلوم، (۱۲۴۵ - ۱۳۱۰) آقا محمدعلی کرمانشاهی، وفاتش به ناخوشی و با
در طهران روز یکشنبه ۲۷ محرم ۱۳۱۰ سن پنجاه و پنج.

بهاء الدین، زین‌الملک ابوعلی، معین خلیفه بغداد :

توئی خلیفه بغداد را یمین و معین که دین و داد ترا هست بر یمین و شمال
بهاء الدین، عثمان، امیر نجم الدوله .

بهاء الدوله، بهمن میرزا پسر فتحعلیشاه متولد ۲۳ شوال ۱۲۲۶.

جهان‌سوز شاه، حسینقلیخان قاجار برادر آقامحمدخان و پدرباباخان (فتحعلیشاه)

در سال ۱۱۸۴ حکمران دامغان شد و چون بر کریم‌خان زند یاغی شد بدفع او رفت
و حسینقلیخان بحوالی فندرسک گریخت و در آنجا بدست سه نفر تر کمان در سال
۱۱۸۸ بقتل رسید .

جمال الدین، ابو جعفر محمد بن حسن [ثقة‌الملک] عارض خراسان :

صبحدم گفتمی فلک چهره به نیلابه بشت رنگ شمشیر جمال الدین ابو جعفر گرفت
آفتاب دین پیغمبر محمد بن حسن آن خداوندی که در دین رسم پیغمبر گرفت
ظاهراً مقصود از ابو جعفر محمد بن خواجه نظام‌الملک است .

در دیوان شعرای ستمه جمال‌الملک دارد بجای جمال الدین و در این صورت تقریباً

مسلم میشود که همان پسر خواجه است .

جیهانی اول، ابو عبدالله محمد بن احمد بن منصور (مرئی ابوزید بلخی)

صاحب مسالك و ممالك که در سال ۳۰۶ بتصریح ترشخی مسجد جامع بخارا از امرت
نمود . جیهانی اول بعد از قتل احمد بن اسمعیل در سال ۳۰۱ پسر صغیر او نصر را
بکامک ابوعلی حمویه کوسه بر تخت نشاند

جیهانی یک بار حسین بن علی مروروزی را که با اسماعیلیه گرویده و در بخارا

بهمن مناسبت حبس بود از محبس نجات داد (ابن‌الانیر)، از تاریخ ۳۰۹ بعد دیگر
ذکری از این جیهانی اول در تواریخ نیست .

یاقوت گوید : (معجم‌الادباء ج ۵ ص ۲۹۳ - ۲۹۴)

قال السلامي في تاريخ خراسان : وفي سنة ٣٠١ في جمادى الآخرة، وأتى أبو الحسن نصر بن أحمد بن اسمعيل وهو ابن ثمان سنين، وتولى التدابير أبو عبد الله محمد بن أحمد الجيهاني فاجرى الأسباب على وجوهها وكان حسن النظر لمن أملاه وقصده، معيناً لمن أمه واعتده، وكان مبتلياً بالمذهب فلم يكن يوافق أحداً إلا دون ثوب أو كاذباً ومريباً بنحاس يعالج دابة فتأفف وأبرز يده من كفه وعلقها إلى أن نزل وصب عليها فماقم من الماء تقذراً مما فعله النحاس كانه هو الذي تولى ذلك، ولم يكن يأذن في أمساك السنابير في دوره، فكان الفأري يتعابث فيها، وفيه يقول أبو الطيب الطاهري:

رأيت الوزير على بابيه من المذهب الشائع المنتشر
يرى الفأر انظف شئ يد ب على ثوبه ويعاف البشر
يبيت حفيماً بها معجباً ويضحى عليها شديد الحذر
وان سغبت فهـ وفي حجرها يفت لها يابسات الكسر
فلم صار يستقذر المسلمين ويالف ما هو عين القذر
وله أيضاً فيه :

ما فيه من حس نثنى عليه به
إلا التصنع بالوسواس للناس
ليوهموا شغفاً بالطهر منك فلا
تعد فيمن يودي جزية الرأس
يالهف نفسى على دنيا حظيت بها
عفواً بلا طول أساس و ايناس
وله أيضاً فيه :

قل للوزير الذى عجائبه يضرب فى سوقنا بها المثل
انت اذا كنت طول دهرك با لمخرج عما سواه تشتغل
فاين الفسك للحوائج او فى اى حين يهملك العمل

قال : وكان هجيري الجيهاني يقول في اضعاف كلامه «بدو اندرون» وان هجيري

علي بن محمد ابن العارض يقول «هزين» وفيهما يقول الطاهري :

وزيران امأ بالمقدم منهما
اذنحن كلمنا هما فجوابنا
متى تلق ذالوتلق ذاك لحادث
ومعنى «بدواندرون» اعدالى داخل ومعنى «هزين» الفرار .
وللطاهرى فيهم :

ان الامور اذا اضحت يدبرها
امخبرات بان لم يستقيم بها
طفل رضيع وسكران ومجنون
لمن توسطها ديننا ولادين
ايضاً ياقوت، معجم الادباء ج ٤ ص ١٩٠ :

احمد بن محمد بن نصر الجيهانى ابو عبدالله، وزير نصر بن احمد بن نصر الساماني صاحب خراسان كان ادبياً فاضلاً ذكره محمد بن اسحق النديم وقال له من الكتب: كتاب آئين، كتاب العهود للخلفاء والأمراء، كتاب المسالك والممالك، كتاب الزيادات في كتاب الناش من المقالات . ولاحمد بن ابي بكر الكاتب يهجو ابا عبدالله الجيهانى :

ايازب فرعون لما طغى
لطفت وانت اللطيف الخبير
فما بال هذا الذى لا ارا
مصوناً على نائبات الدهور
وتاه وابطره ما ملك
فاقحمته اليم حتى هلك
يسلك الالذى قدسلك
يدور بما يشتهي الفلك
فخذة وقد خلاص الملك لك
فقد قرب الامر من ان يقال
والأ فلم صار يملى له
ذال امر بينهما مشترك
وقدلج فى غيه وانهمك
ذال شريكاً وهل ثم شك ؟
ولن يصفو الملك مادام ه

ذكر هذه الابيات ابو الحسن محمد بن سليمان بن محمد فى كتاب فريد التاريخ

فى اخبار خراسان وقال فيه بعضهم يهجو، قال واظنه اللحم :

لالسان لارواء
لا ولا رد سلام
لا بيان لاعبار
منك الا بالاشاره

اناهو الكولكن اين آثار الوزاره؟

قال ثم مات السيد منصور بن نوح وقام مقامه الرضى ابوالقاسم نوح بن منصور،
والجيهانى على وزارته، ثم صرفت عند الوزاره فى شهر ربيع الآخر سنة ٣٦٧ ووليها
ابوالحسين عبيدالله بن احمد العقبى.

از این عبارت یاقوت معلوم میشود که او بتبع صاحب الفهرست در اشتباه افتاده
وجیهانی کبیر یعنی ابو عبدالله محمد بن احمد صاحب کتاب مسالك الممالك وزیر
نصر بن احمد را (از ٣٠١ - ٣٠٩)، جیهانی سوم یعنی ابو عبدالله احمد بن محمد بن
احمد وزیر منصور بن نوح که سال ٣٦٥ فوت کرد وجیهانی چهارم ابو الفضل محمد بن
احمد بن محمد بن احمد وزیر منصور بن نوح اشتباه نموده است و با اینکه خود در
ج ١ ص ١٤١ جد جیهانی کبیر را جیهان بن فرخان مینویسد در اینجا «نصر» میگوید.
ذکر ابو عبدالله بن جیهان وزیر صاحب خراسان در معجم الادباء (٦ : ٢٧٦)
در ضمن شرح حال محمد بن احمد المغربی نیز آمده و این ابو الحسن محمد بن احمد بن
محمد المغربی راوی متممی و از معاصرین صاحب بن عباد است و ظاهراً غرض از این
ابو عبدالله بن جیهان، جیهانی سوم وزیر منصور بن نوح سامانی است.

جیهان بالفتح ثم السكون وهاء والفاء نون، قال حمزة الأصفهانی اسم وادی خراسان
هر وزعلی شاطیه مدینه تسمى جیهان فتمسبه الناس اليها فقالوا **جیحون علی عادتهم**
فی قلب الالفاظ، قال عبيدالله المؤلف واليه ينسب الوزير ابو عبدالله محمد بن احمد
الجيهانى وزير السامانية البخارا وكان ادبياً فاضلاً شهماً جسوراً وله تواليف وقد ذكرته
فى كتاب الاخبار. (معجم البلدان ٢ : ١٨١)

مسعودی گوید :

ابو عبدالله محمد بن احمد الجیهانی وزیر نصر بن احمد بن اسمعیل بن احمد بن
اسد صاحب خراسان ، الف کتاباً فى صفة العالم و اخباره و ما فيه من العجائب والمدن
والامصار والبحار والانهار والامم و مساكنهم وغير ذلك من الاخبار العجيبه و القصص
الطريفه . (التنبيه والاشراف ص ٧٥)

تاریخ تألیف تنبیه والاشراف سال ۳۴۵ است (ص ۶) و ظاهراً مسعودی اول کسی است که از کتاب جیهانی اسم میبرد.

صاحب الفهرست (ص ۳۳۸) محمد بن احمد جیهانی را در ردیف ابوالعباس ناشی و جمعی دیگر از زنداقه می‌شمارد که اظهار اسلام می‌کردند.

صاحب الفهرست (ص ۱۳۸) وزیر نصر و مؤلف مسالك و ممالك را ابو عبدالله احمد بن محمد جیهانی می‌خواند و این کتب را از تألیفات او می‌شمارد: المسالك و الممالك، کتاب آئین مقالات، کتب العهود للخلفاء و الامراء، کتاب الزیادات فی کتاب آئین فی المقالات، کتاب رسائل. و در احوال ابوزید بلخی گوید از قول او:

«کان لابی علی الجیهانی وزیر نصر بن احمد جواری پدرها علی فلما املیت کتابی القرا بین و الذبائح حرمنیها و کان الحسین بن علی علی المروروزی قرمطیاً و کان الجیهانی ثنویاً».

مقدسی (ص ۳) در باب جیهانی چنین نویسد:

ابو عبدالله الجیهانی، فانه کان وزیر امیر خراسان و کان صاحب فلسفة و نجوم و هیئت، فجمع الغربا و سألهم عن الممالك و دخلها و کیف المسالك الیها و ارتفاع الخنس منها و قیام الظل فیها لیتوصل بذلك الی فتوح البلدان و یعرف دخلها و یستقیم له علم النجوم و دوران الفلك. الا ترى کیف جعل العالم سبعة اقالیم و جعل اقلیم لکل کوکبا، مرّة یذکر النجوم و الهندسه و کرة یورد مالیس للعوام فائدة، تارة ینعت اصنام الهند و طوراً یصف عجائب السند و خلیاً یفصل الکور و لارتب الاجاز و لا وصف المدن و لا التوعب ذکرها بل ذکر الطرق شرقاً و غرباً و شمالاً و جنوباً مع شرح ما فیها من السهول و الجبال و الاودية و التلال و المشاجر و الانهار، و بذاک طال کتابه و غفل عن اکثر طرق الاجاز و وصف المدن الجیاد (المقدسی ص ۳-۴)، نسخه^C مقدسی اضافه دارد:

«و رأیت کتابه [ای کتاب الجیهانی] فی سبع مجلدات فی خزائن عضدالدوله غیر مترجم و قیل بل هو لابن خرداذبه و رأیت مختصری بنیسا بور مترجمین احدهما للجیهانی و الآخر لابن خرداذبه یتفق معانیهما. غیر ان الجیهانی قد زاد شیئاً سیمیه أ»

مقدسی (ص ۳۳۷) در ضمن تعداد وزرای نصر بن احمد گوید :

« وزیرها ابو الفضل بن یعقوب النیسابوری، ثم ابو الفضل بلعمی، ثم ابو عبدالله الجیهانی فلما مات سموه سعیداً ». از اینجا معلوم میشود که مقدسی ابو عبدالله جیهانی را آخرین وزیر نصر بن احمد (۳۰۱ - ۳۳۵) میدانسته است .

باز مقدسی گوید (ص ۲۴۱) : « اذا نظرت فی کتاب الجیهانی وجدته قد احتوی علی جمیع اصل ابن خرداذبه و بناء علیه ». نسخه^C مقدسی : « وقد بالغ الجیهانی و ابو زید فی وصف سمرقند » (ص ۳۸۰) .

یاقوت در معجم البلدان نام جیهانی را بدون ذکر اسم و کنیه در ردیف اصحاب کتب مسالك و ممالك میبرد (ج ۱ ص ۷) و يك فقره نیز از کتاب او در باب « صغه » نقل می‌کند . (۳ : ۳۹۴)

در حاشیه گوید : ابو العباس عبدالله بن محمد الملقب بابن شریح و الناشی الاکبر از اهل انبار از شعر او متکلمین متوفی بسال ۲۹۳ م متهم بزندقه و صاحب کتابی در مقالات که جیهانی کتاب مقالات او را شرح یا تکمیل کرده بوده (رجوع شود بمعجم الادب) .

جیهانی دوم ، ابوعلی محمد بن ابی عبدالله محمد بن احمد جیهانی پسر جیهانی اول (وزیر نصر بن احمد بعد از ابو الفضل بلعمی در سال ۳۲۶) ، وفات این جیهانی در سال ۳۳۰ م اتفاق افتاده و بقول ابن الاثیر در زیر آواز مانده .

جیهانی سوم ، ابو عبدالله احمد بن محمد بن احمد جیهانی پسر جیهانی دوم و نواده جیهانی اول وزیر منصور بن نوح بعد از بلعمی دوم ، وفاتش بسال ۳۵۶

جیهانی چهارم ، ابو الفضل محمد بن احمد بن محمد بن احمد ، پسر جیهانی سوم وزیر منصور بن نوح (زین الاخبار) .

حزین لاهیجی ، (۱۱۰۳ - ۱۱۸۰) یکی از نمایندگان درخشنده تاریخ ادبیات ایران در قرن مظلوم دوازدهم هجری شیخ محمد بن ابی طالب گیلانی معروف به شیخ علی حزین است که بدبختانه قدر او کاملاً مجهول مانده و با وجود مقام رفیعی که حقاً در تاریخ

ادبیات ایران دارد کمتر کسی حتی اسم او را نیز شنیده و اگر خواص ادبا هم بنام حزین برخورد کرده باشند بر اثر دیدن چند بیت شعر ازوست که در پاره‌های جنگها غالباً با مثال آن تصادف میشود، در صورتیکه شیخ علی حزین در جمع کمالات علمی و اطلاع بر اوضاع و احوال عالم در عصر خود وسلاست انشاء در نثر فارسی و ذوق سرشار و تعلق بایران وطن عزیز خود و دقت نظر در ضبط وقایع تاریخی ایام معاصر خویش و نوشتن شرح حال عموم علما و شعرا و اهل فضل که در مسافرتهای عدیده خود بالاخص شرح خویشتم را بملاقات ایشان فائز ساخته، در عصر و زمان خود بی نظیر بوده و در مقابل این فضایل که تعداد کردیم جنبه شاعریت او چندان وزن و اهمیتی ندارد. اینک ما در این مقاله مختصر بقصد جلب نظر ارباب ذوق و طالبان دقایق نکات تاریخی، شمه‌ای از احوال آن مرد جلیل‌القدر می‌نگاریم تا کسانی که فرصت بیشتر دارند زیاده‌تر در تشریح زندگانی شیخ محمد علی حزین و خصوصیات زندگانی علمی و ادبی و مقام بلند او تتبع کرده او را چنانکه سزاوار است بهموطنان حقیقت طلبش معرفی نمایند.

شیخ محمد معروف به علی حزین گیلانی از احفاد شیخ عارف معروف تاج‌الدین ابراهیم یعنی شیخ زاهد گیلانی مراد و قدوه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است و شیخ زاهد جد شانزدهم او محسوب میشود.

اجداد شیخ محمد علی حزین اصلاً از مردم بلده آستارا بوده اند. جد هشتم او شیخ شهاب‌الدین علی از آستارا به لاهیجان که در آن تاریخ مرکز یکی از امارت‌نشینهای گیلان بشمار میرفته و اهمیت و شهرتش بعراتب از رشت بیشتر بوده است هجرت کرده و از آن تاریخ خاندان شیخ محمد علی مقیم لاهیجان گردیده‌اند.

اجداد و اعمام پدری شیخ محمد علی غالباً از اهل علم و ادب بوده و بمناسبت انتساب بشیخ زاهد گیلانی همگی نسبت بخاندان صفوی بستگی تمام داشته و در دستگاه ایشان معزز و محترم میزیسته‌اند و با اجله علمای آن عصر مثل شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی و آقا حسین خوانساری، محشور و مأیوس بوده و پدر شیخ

محمد علی یعنی شیخ ابوطالب در شمار علما و خطاطین و زهاد عصر خود معدود میشد و بیشتر اوقات را در اصفهان اقامت داشت تا آنکه در سال ۱۱۲۷ هجری بسن شصت و نه فوت کرد. تولد شیخ محمد علی در اصفهان بتاريخ ۲۷ شهر ربیع الآخر سال ۱۱۰۳ یعنی بیست و چهار سال قبل از فوت پدرش اتفاق افتاد و در ایام خردی و سباب غالب معلومات عصر خود را نزد پدر و اساتید دیگر فرا گرفت و از همان عهد خردی میلی وافر بنظم شعر داشت لیکن استاد و پدرش او را از اشتغال باین عمل که بگفته یکی از نویسندگان فرنگی «گناه ایام طفولیت» محسوب میشود منع میکردند و حزین بهمین علت هر چه میگفت و میساخت جرئت نشر آنها را درخود نمیدید.

خلاصه، حزین در حیات پدر خود صرف و نحو و ادب و منطق و حکمت و اصول و فقه و حدیث را فرا گرفت و مدتی را نیز پیش یکی از عرفای عهد به‌نر کیه نفس و تربیت باطن پرداخت و در اواخر عمر پدر بر اثر غزلی که فی البدیهه در مجلسی در استقبال یکی از غزلیات محتمم کاشانی سرود و مقبول طبع همه حاضران از جمله پدرش افتاد پدر، او را بنظم شعر [واداشت] ...

حسام السلطنه، (۱۲۳۳ - ۱۳۰۰) سلطان مراد میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه متولد سال ۱۲۳۳، دفع کننده فتنه سالار در ۱۲۶۵ و در همان سال پس از فوت محمد تقی میرزا پسر فتحعلیشاه لقب حسام السلطنه یافت.

فاتح هرات، در ۱۲۷۳ والی فارس، در ۱۳۰۰ موقعیکه نامزد مجدد ایالت خراسان شده بود در دو شنبه دوم جمادی الاولی در طهران بسن ۶۸ وفات یافت.

حسام السلطنه، (صفر ۱۲۰۶ - ۱۲۸۰ ق)، محمد تقی میرزا متخلص بشوکت پسر فتحعلیشاه متولد ششم صفر در سال ۱۲۰۶، در ۱۲۲۴ حاکم بروجرد و سیلاخور و جاپلق شد و در ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ با برادر زاده خود محمد حسین میرزا حشمة الدوله والی کرمان شاه جنگ کرد و هر دو بار شکست خورد و عاقبت بطهران آمد و تا چهار ماه محضوب بود. عاقبت شاه او را بخشود و باز بحکومت بروجرد برگرداند.

در سال ۱۲۸۰ که بزیارت مشهد رفته بود در آنجا فوت نمود.

وی پدر ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار است .

حسام‌الدوله ، تیمور میرزا پسر حسینعلی میرزا فرمانفرما .

حشمة‌الدوله ، حمزه‌میرزا پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه حاکم خراسان در

اواخر عهد محمدشاه ، ووالی آذربایجان در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه ، والی

خراسان مجدداً در واقعه مرو و عزل او از خراسان در ۱۲۷۷ .

حشمة‌الدوله ، (۱۲۶۹) عبدالله میرزا پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه ، وفاتش

یسال ۱۲۶۹ اتفاق افتاد .

حشمة‌الدوله محمدحسین میرزا پسر محمدعلی میرزا دولت‌شاه که پس از فوت

پدرش در ۱۲۳۷ والی کرمانشاه شد در ۱۲۳۸ مندیج را از دادپاشا پس گرفت و درازاء

این خدمت حشمة‌الدوله لقب یافت در سال ۱۲۴۶ با عم خود محمدنقی میرزا احسام‌السلطنه

جنگ کرد و فاتح شد . عاقبت با مرقد محمدعلیشاه غلامحسین خان سپهدار ایشان را صلح داد .

بار دیگر در ۱۲۴۸ با یکدیگر جنگ کردند و باز احسام‌السلطنه شکست خورد .

حشمة‌الدوله ، عبدالله میرزا بن حشمة‌الدوله عبدالله میرزا بن عباس میرزا

نایب‌السلطنه . تولدش در ۱۱ صفر ۱۲۶۱ ، ابتدا ابراهیم میرزا نام داشت و در ۱۲۶۹

که پدرش مرد ناصرالدین میرزا نامید و لقب حشمة‌الدوله داد . غالباً در خدمت عم خود

حمزه میرزا حشمة‌الدوله بسر میبرد ، نیابت ایالت عربستان و بخقاری ، حکومت

ارستان در ۱۳۰۰ ، بعد از فوت ناصرالدین شاه بار دیگر بحکومت ارستان مأمور شد

و بعد از یک سال بطران احضار گردید .

حشمة‌الملک ، امیر اعلم خان قاشی ، وفاتش در ۱۳۰۹ در قریه بیلان کناباد ،

در مراجعت از مشهد .

دبیر‌الملک ، (در ۱۳۲۳) وزیر رسائل بود . محمد حسینخان بدر پسر میرزا

الدخان دبیر‌الملک وزیر داخله پسر حاجی میرزا حسینخان جبه‌دار باشی (عم جعفر خان

پدر عبدالوهاب خان آصف‌الدوله) ، تولدش در یازدهم شوال ۱۲۹۱ . مدتی حاکم طهران و وزیر فوائد عامه بود و فرهنگی نیز از فرانسه بفارسی نوشته .

دولت‌شاه، (۱۲۰۳-۱۲۳۷) محمدعلی میرزا متخلص به دوات، پسر اول فتحعلیشاه متولد هفتم ربیع‌الثانی ۱۲۰۳ قمری ، حکمران کرمانشاه و سرحددار عراقین ، در سال ۱۲۳۶ مأمور حمله بخاک عراق شد و در ۱۲۳۷ در بین سرحد و کرمانشاه مرد . سنش سی و چهار و او پدر محمد حسین میرزا حشمة‌الدوله و طهماسب میرزا مؤیدالدوله و امامقلی میرزا عمادالدوله است .

ذوالفنون ، (۱۲۷۸-۱۳۶۷ قمری) شیخ حبیب‌الله سلطان آبادی عراقی متولد روز چهارشنبه ۲۱ ذی‌القعدة ۱۲۷۸ قمری ، از منجمین فاضل و از مستخرجین تقویم ، در ادبیات و ریاضی و تفسیر نیز مهارت داشت . مدتی در دارالمعلمین مرکزی مثلثات گروهی تدریس میکرد ، وفاتش روز پنجشنبه سوم دی‌ماه ۱۳۲۶ شمسی مطابق یازدهم صفر ۱۳۶۷ بسن ۸۷ در تهران .

رکن‌الاسلام خلیف‌المالی، (۱۳۳۶ قمری) سیدجلیل مدیر روزنامه کوکب‌ایران در شب غره ماه جمادی‌الآخره سال ۱۳۳۶ در طهران از طرف دو نفر شخص مجهول، مقتول شد .

رکن‌الدوله، (۱۲۸۹ قمری) اردشیر میرزا متخلص به آگاه پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه ، ابتدا از طرف پدر حاکم گروس و صائین قلعه افشار بود . در ابتدای سلطنت محمد شاه به تشبیه اسمعیل میرزا عم خود بشاهرود و بسطام مأمور دفاع شد . بعد حکومت گرگان و سپس مازندران را یافت . در ابتدای پادشاهی ناصرالدین شاه والی خوزستان و بختیاری شد، بعد حاکم طهران گردید و در ۱۲۷۳ به پیشکاری آذربایجان رفت، وفاتش در ۱۲۸۹ اتفاق افتاد .

رکن‌الدوله ، علینقی میرزا متخلص به والای پسران فتحعلیشاه برادر اعیانی اماموردی میرزا سرکشیکچی‌باشی ، حاکم قزوین ، در قیام‌علیشاه از اوطر فداری نمود . بهمین جهت گرفتار و در اردبیل محبوس شد ، سپس باعلیشاه از آنجا بر وسیله گرفت .

تولدش در نوزدهم شوال ۱۲۰۷، والی خراسان در ۱۲۳۸، حاکم قزوین در ۱۲۳۹، در جنگهای ایران و روس شرکت کرد.

رکن الدوله، (۱۲۴۳-۱۳۱۸) محمد تقی میرزا در تاریخ سه شنبه ۱۵ شوال ۱۳۱۸ قمری دو ساعت بغروب مانده در سن ۷۵ به نوبه غش در مشهد مرد و در این تاریخ والی خراسان بود.

زین الدین،

از زین دین عراق و خراسان مزین است

این را دلیل ظاهر و حجت مبین است

مقصود خواجه ابوالقاسم قوام الدین انس آبادی وزیر است.

سالار فاتح، علی دیوسالار از ملاکین و متنفذین مازندران از مردم کچور، وفاتش روز ۲۳ آبان ۱۳۲۶ شمسی مطابق با اول محرم ۱۳۶۷ بسن ۸۶. در انقلابات اوایل مشروطیت و در فتح قزوین و طهران دخالت داشت و از طرف ملیون در رجب ۱۳۲۷ لقب سالار فاتح یافت. مردی نویسنده و تاریخ دان بود و تالیفاتی نیز دارد که بچاپ نرسیده.

سالار الدوله، (ابوالفتح میرزا) پسر سوم مظفر الدین شاه، تولد در ۸ ذی الحججه ۱۲۹۸ در تبریز.

سالار جنگ، ناصر الدین گوپال شیرازی پیشکار قوام الملک و از شعرای نامی و اهل ادب و کتاب. وفاتش روز دوشنبه ششم آبان ۱۳۲۵ شمسی در شیراز، مقبره اش در حافظیه.

سپهدار، یوسف خان گرجی از سرداران فتحعلیشاه معروف بسپهدار عراق، در سال ۱۲۴۰ به وزارت سلطان محمد میرزا سیف الدوله مأمور اصفهان شد و در همین مأموریت در همین سال در اصفهان فوت کرد، شهر سلطان آباد عراق از بناهای او میباشد.

سپهدار، غلامحسین خان پسر یوسف خان گرجی سپهدار داماد فتحعلیشاه بر

ماه بیگم خانم دختر او ، در هفده سالگی داماد فتحعلیشاه شد و لقب پدربافت (در ۱۲۴۰ پس از فوت پدرش) .

سپهسالار ، شاهزاده وجیه‌الدوله میرزا که سابقاً امیرخان سردار لقب داشت فرزند احمد میرزا عضدالدوله مؤلف تاریخ عضدی پسر فتحعلیشاه برادر سلطان مجید میرزا عین‌الدوله، در صدارت امین‌الدوله در عهد مظفرالدین‌شاه وزیر جنگ و سپهسالار شد، وفاتش روز سه‌شنبه یازدهم ذی‌القعدة از سال ۱۳۳۲ قمری در طهران اتفاق افتاد و در زاویه حضرت عبدالعظیم مدفون شد . سپهسالار سابقاً سیف‌الملک لقب داشت . مادر او دختر امیرخان سردار قاجار دولو و خاله‌زاده عباس میرزا ولیعهد بوده و بهمین جهت او را امیرخان سردار می‌نامیدند .

سراج‌الدوله، میرزا محمد ولی مستوفی ، وفاتش روز پنجشنبه ۱۶ رمضان ۱۳۰۹ قمری بسن قریب بشت در طهران .

سردار همایون ، قاسم خان والی ، (هفته آخر مرداد ۱۳۱۲ ، ربیع‌الثانی ۱۳۵۲) .

سرکشیکچی باشی ، (۱۲۱۶ - ۱۲۸۴ قمری) الله‌بردی میرزا پسر فتحعلیشاه متخلص به بیضاء برادر اعیانی محمد تقی میرزا رکن‌الدوله ، در ریاضی و نوشتن اقسام خطوط بخصوص نستعلیق ماهر بود . چون از ظل‌السلطان علی‌شاه در ادعای او سلطنت را ، طرفداری نمود پس از ورود محمدشاه بطهران به عتبات گریخت و باسلامبول رفت تا در آنجا در ۱۲۸۰ واند مرد .

سعد‌الملک، محمد حسنخان مافی برادر حسینقلیخان نظام‌السلطنه و پیشکار او، در سال ۱۳۰۵ این لقب را گرفت و خا کم‌بوشهر شد، مأمور گمرکات بنادر در ۱۳۰۰ ، پیشکار خمره در ۱۳۰۲ ، پیشکار عربستان و ملقب شدن به سعد‌الملک در ۱۳۰۵ ، پیشکار فارس در ۱۳۱۰ ، معاونت وزارت مالیه در ۱۳۱۶

حاجی سهم‌الملک، بیات عراقی وفاتش در دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۰۶ مطابق ۱۰ جمادی‌الثانیه ۱۳۴۶ .

سیدالوزراء ، لقب میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی

امیر سیف الدوله شمس الدین سپهسالار از امرای ملکشاه وبر کیارق

حاج سیف الدوله ، (۱۲۲۸-۱۳۱۰) پسر علیشاه ظل السلطان ، وفاتش در طهران

روز شنبه ۷ صفر ۱۳۱۰ بسن هفتاد و دو .

سیف الدوله ، سلطان محمد میرزای متخلص به سلطان از پسران فتحعلیشاه متولد

۲۶ جمادی الاولی ۱۲۲۸ ، مادرش تاج الدوله بعد از عزل امین الدوله در ۱۲۴۰ حاکم

اصفهان شد و سیف الدوله لقب یافت . در ۱۲۷۰ سفر شیروان و استانبول و مصر و مکه

و شام رفت و از راه بغداد بطهران برگشت . دارای قریب ۲۰۰۰۰ شعر و در نشر مؤلف

«سیف الرسائل» و «تحفة الحرمین» و «ملوک الکلام» است مشتمل بر منتخباتی از نظم و نثر

عربی . وفاتش بسال ۱۲۹۱ ، بعضی از اشعارش را بغلط در دیوان یغما چاپ کرده اند .

عضد الدوله احمد میرزا برادر اوست .

خواجه سیف الدین علی ، وزیر ابن عم شاه ، شاید کمال الملک ابوالحسن علی

بن احمد سمیرمی وزیر سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه (پسر عم سنجر) که در

۵۱۲ بوزارت رسید .

سیف السلطنه ، (۱۲۲۹-۱۳۰۹) جان محمد خان خلیج امیر تومان ، وفاتش

در شب جمعه ۲۸ جمادی الثانیة ۱۳۰۹ قمری در طهران بسن قریب بهشتاد .

شجاع الدوله ، محمد ناصر خان قوچانی که در ۱۳۲۰ قمری وفات یافت .

شجاع السلطنه ، حسنعلی میرزای متخلص به شکستد پسر فتحعلیشاه برادر اعیانی

و کوچکتر حسینعلی میرزا فرمانفرما ، مادرشان دختر جعفر قلیخان بن قادر خان

عرب بسطاهی ، متولد غرة ذی الحججه ۱۲۰۴ قمری ، در سال ۱۲۳۱ باین لقب ملقب

و بایالت خراسان منصوب گشت و در ۱۲۳۸ معزول و در ۱۲۳۹ باز دیگر بهمان سمت

منصوب گردید .

شرف الدین ، ابوظاهر وجیه الملک سعد بن علی بن عیسی القمی ، (وزارتش از

۱۷ محرم ۵۱۵ تا چهارشنبه ۲۵ محرم ۵۱۶ ، (عماد کاتب : ۲۶۷)

معزی از او مرسومی داشته :

سخت شادند بدین جشن همه ناموران

شرف الدین ز همه ناموران شادتر است

قبیله دولت بو طاهر سعد بن علی

که دل طاهر او قبیله اهل هنر است

(دیوان معزی ۱۲۹-۱۳۱)

تاریخ ناخوشی و بهبودی سنجر را هم از همین مدیحه میتوان استنباط کرد چه در این قصیده که بین محرمین سالهای ۵۱۵ و ۵۱۶ سروده شده باین مسأله معزی اشاره کرده و در قصیده دیگر نیز این موضوع را یاد آور شده است (دیوان معزی ۹۹-۱۰۰):

مشهد عشاق گیتی در خراسان کوی اوست

مقصد زوار در گاه اجل بو طاهر است

ملك شاهانرا وجیه و دین یزدان را شرف

زمین دولت ز آنکه نفس او شریف و طاهر است

نامور صدر علی ، صدریکه بر چرخ بلند

نجم سعد از طالع او تا قیامت ظاهر است

نام او سعد است و هر سعدی که بر افلاک هست

اندرین دولت بعمر و روزگارت ناظر است

(دیوان ۱۳۱-۱۳۳)

شمس الروساء ، ابوالحسن علی بن مقدم الروساء منصور بن محمد بن اسحاق (اسحاق = جد نظام الملك) از نیابت وزارت از جهت فخر الملك المظفر بن نظام الملك تیمار داشت و خواجه بود با مروت تمام ، و هر که ماه رمضان بر مائده او افطار کردی از فقرا تا سال دیگر تیمار اسباب معاش او داشتی ، و در آخر عمر انزوا اختیار کرد و بر سر آب قصبه سبزوار صومعه ساخت . نفه از صلحاء متصوفه با وی در آن صومعه

متوطن گشتند و مدایح او از تازی و پارسی مجلدی منصف ضخیم است ، توفی فی رمضان سنه ۵۱۹ هـ ، (تاریخ بیهق) .

شمس الشعراء ، (۱۲۳۶-۱۳۰۹) شاهزاده سام میرزا رضوان در ۱۲۸۸ بلقب مزبور ملقب گردید . وفاتش در طهران شب پنجشنبه ششم ذی القعدة ۱۳۰۹ قمری به سن هفتاد و سه .

شیخ الرئيس ، (۱۲۹۷-۱۳۵۹ قمری) شاهزاده محمد هاشم میرزا متخلص به افسر فرزند نورالله میرزا نوری نواده محمدرضا میرزا افسر پسر فتحعلیشاه ، در ۲۱ محرم ۱۲۹۷ در سبزوار متولد گردید . از شاگردان حاجی میرزا حسن حکیم داماد حاجی ملاهادی سبزواری و حاجی میرزا حسین سبزواری بود . در ۱۳۲۷ نماینده مجلس شد در ۱۳۳۰ ق . رئیس معارف و اوقاف خراسان ، از ۱۳۳۲ تا نه دوره متوالی سمت و کالت مجلس را داشت . وفاتش در روز دوشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۱۹ مطابق ۶ شعبان ۱۳۵۹ قمری در طهران رخ داد و جنازه او در امامزاده عبدالله بخاک سپرده شد .

شیخ الملوك ، شیخعلی میرزا متخاص به شاپور از پسران فتحعلیشاه ، ولادتش در رجب ۱۲۱۰ ، بیشتر عمر را در حکومت مالیر و تویسرکان بسر میبرد . خط نستعلیق را خوب مینوشت و از موسیقی نیز ربطی داشت ، مادرش دختر شیخعلیخان زند بود و بهمین جهت به شیخعلی میرزا موسوم شد . در ۱۲۹۰ و اندی مرد ، در جنگهای دوم ایران و روس شرکت نمود .

صدرالدین ، محمد بن فخرالملک وزیر سنجر از صفر ۵۰۰ تا ذی الحجه ۵۱۱ ، کنیه این شخص ابوالحسن است :

گر نبی معجز نمود از خیزران راست گوی

ور علی قدرت نمود از ذوالفقار جان شکار

نام آن و کنیت این داری و اینک تراست

کلك همچون خیزران و تیغ همچون ذوالفقار

صدرالعلماء ، میرزا محمد باقر ، در طهران درس قریب بشصت در شب

جمعه یازدهم شوال ۱۳۱۳ .

صدر العلماء ، (۱۳۳۶ قمری) آقا سید یعقوب خراسانی و کیل مجلس در دوره دوم از خراسان .

صدر الممالک ، میرزا محمد حسین حسینی قزوینی متخلص بصدر پسر میرزا فضل الله ، در عهد محمد شاه صدر دیوانخانه بود ، در اوایل عهد ناصر الدین شاه بسفارت روسیه رفت ، بعد بوزارت وظایف و اوقاف و مستمریات رسید ، سپس متولی آستانه قدس شد و در آنجا در ۱۲۸۴ مرد .

صنیع الدوله ، مرتضی قلیخان هدایت نواده مرحوم رضا قلیخان هدایت ، اول رئیس مجلس که در پنجم صفر ۱۳۲۹ قمری در طهران بدست شخصی روسی بنام ایوانف به قتل رسید .

ضیاء الدوله ، محمد رحیم میرزا پسر عباس میرزا نایب السلطنه ضیاء الدین محمد ، دختر زاده فقیه اجل ابوالقاسم عبدالله برادر خواجه نظام الملک ، تابعی لطیف داشت در شعر پارسی و شجاعتی تمام و سخاوتی بحد کمال رسیده ، از رباعیات او :

ای بدر منیر چون هلالم ز غمت وی سر و بلند چون حنایم ز غمت^(۱)
خورشید رخی دیده مثالم ز غمت ای همچو الف نشان دالم ز غمت
ایضاً :

با من بهوس دلا [چرا] بستیزی تا با سر زلف آن نگار آمیزی
ترسم که اگر نیز زمن بگریزی در حلقه دام او بخلق آویزی

آن وقت که سلطان اعظم سنجر رحمة الله از مصاف عراق آمد او گفت در مجلس سلطان در وقتیکه بشرف مؤاکلت و منادمت اختصاص یافته بود :

تو آن شاهی که بیغمبر نشان داد بملکت امت آخر زمان را
بتو فخر است تا روز قیامت نژاد و دوره الب ارسلان را

(تاریخ بیهق)

ظل السلطان، (سعود میرزا) پسر ناصرالدین شاه، متولد در ۲۰ صفر ۱۲۶۶، در ۱۲۷۷

لقب یمین الدوله یافت، حاکم فارس و ملقب به ظل السلطان در ۱۲۸۶، سه بار حاکم فارس شد. در ۱۳۰۰ اصفهان و یزد و فارس و عراق و بروجرد و عربستان و ارستان و کرمان شاهان و کردستان و گلپایگان و خوانسار را در قلمرو داشت، مؤلف تاریخ مسعودی است.

ظل السلطان، علیشاه پسر فتحعلیشاه (نولدش در شعبان ۱۲۱۰، حکمران یزد

در ۱۲۴۳)، متخلص به عادل برادر اعیانی عباس میرزا نایب السلطنه، مادرشان دختر فتحعلیخان قاجار دولو بود، پس از مرگ فتحعلیشاه در ۱۴ رجب ۱۲۵۰ در طهران جلوس کرد و سکه زد و خود را عادلشاه نامید اما پس از چهل روز سلطنت مغلوب و روانه مرآه و بعد اردبیل شد، عاقبت از اردبیل گریخت و بروسیه رفت.

ظهیر الدوله، محمد ابراهیم خان قاجار متخلص به طغرل پسر مهدیقلیخان

و برادرزاده آقا محمد خان و پسر عم فتحعلیشاه، مادرش را که خواهر سلیمان خان اعتضادالدوله بود فتحعلیشاه در عقد خود آورد و محمدقلی میرزا ملک آرا از آن زن است. محمد ابراهیم خان یکی از دختران فتحعلیشاه یعنی خواهر حسینعلی میرزا فرمانفرما و حسنعلی میرزا شجاع السلطنه را در عقد ازدواج داشت. محمد ابراهیم خان ظهیر الدوله سالها حاکم کرمان و سرحددار بلوچستان بود، منظومه حمیده حیدری را ملا «بمونعلی» راجی کرمانی بنام او ساخته. این ظهیر الدوله پدر حاجی محمد کریم خان قاجار رئیس شیخیه است. مردی بود دیندار و آبادکننده و نسبت به شیخ احمد احسانی ازادتی میورزید، از بناهای اوست مدرسه‌ای در کرمان، فتحعلیشاه بعد از او ایالت کرمان و بلوچستان را به پسر بزرگتر او عباسقلیخان که نواده آن پادشاه میشد واگذار کرد. وفاتش در تهران بسال ۱۲۴۰ قمری اتفاق افتاد.

نا تمام